



توصیه های عملی روح خدا برای نیل به معرفت/ در رفع حُجُب کُوش ، نه در جمع کُتب

رهبر فقید انقلاب اسلامی(ره) از عرفانهای انحرافی و دور از خط قرآن و اهل بیت(ع) برحذر داشته و روش اصلی در راه کسب معرفت را تمسک به وحی (قرآن و فرمایشات اهل بیت(ع)) معرفی می نماید.

خبرگزاری مهر - رهبر فقید انقلاب اسلامی(ره) از عرفانهای انحرافی و دور از خط قرآن و اهل بیت(ع) برحذر داشته و روش اصلی در راه کسب معرفت را تمسک به وحی (قرآن و فرمایشات اهل بیت(ع)) معرفی می نماید. ایشان تهذیب و زدودن قید و بندهای شیطانی را راه تدبیر در قرآن و بهره گیری از معارف و اسرارگشوده شده آن توسط اهل بیت(ع) می دانند.

فاطمی که زمن نامه عرفانی خواست/ از مورچه ای تخت سلیمانی خواست

گویى نشنیده "ما عرفناک" از آنک/ جبریل از او نفخه رحمانی خواست

دوبیتی فوق مطلع اندرزنامه امام راحل (ره) به عروشان، دکتر فاطمه طباطبایی است که در خردادماه سال 1363 در طول مدت 18 روز، به تدریج نگاشته شده و بدل به شیوه نامه ای عملی برای ره جویان راه معرفت، در روزگار بعد از خویش گشته است.

آنچه ظاهر است امام عزیز (ره) در پی اصرارهای فراوان عروس طالب حقایق خویش، زحمت قلم فرسایی را برجان خریده و ضمن رعایت نهایت خضوع علمی، که نشانه بزرگان عرصه علم و عمل می باشد، حاصل عمری را در صفحاتی عرضه داشته است. در تداوم این اصرارها، آن عزیز سفر کرده مجدداً در آذرماه 1365، نامه ی دیگری خطاب به عروشان نگاشته که متن کامل نامه ها در صحیفه امام، جلد های 18 و 20، موجود می باشد. موضوع اصلی هر دو نامه توصیه امام (ره) در باب شیوه کسب معرفت و راه ها و چاه های پیش رو می باشد.

نوشته زیر نکات کلیدی این نامه ها را برای درس آموزی، طبقه بندی نموده. به امید آنکه چراغی پرنور باشد برای طالبین روشنایی و عاملین عرصه معرفت و همچنین شناخت نامه ای باشد از ابعاد مختلف وجودی بنیانگذار کبیرانقلاب اسلامی در فی مابین مطالب این دو نامه از دوبیتی های امام راحل(ره) نیز که اکثراً مخاطبش خانم طباطبایی میباشد را همراه میسازیم تا درک بهتری از موضوع حاصل آید و آن عزیز چنین توصیه می فرمایند که:

• رجوع و رفع حُجُب از فطرت

امام راحل (ره) نخستین گام در عرصه عرفان و کسب معرفت را رفع حجابهای فطرت کمال جوی انسان میداند. فطرتی که با خاصیت عشق به کمال مطلق و بدون امکان تغییر و تبدیل ، در حجاب های خود ساخته انسانی محجوب گشته و راهی جز خروج از این موضع ندارد ، مگر هدایت الهی و مجاهدت خویش. ایشان میفرمایند: " خروج از منزل خود و خودی و هرچه و هرکس ، و پیوستن به او و گسستن از غیر، هیه ای الهی است به اولیای حُص تا خویشی به وصل جانان نرسی خود راه به ره دوست فنا باید کرد"

فاطمی که به نور فطرت آراسته است - از قید حجاب عقل، پیراسته است

گویى که زبحر نور "سلطانی" و "صدر"-این درّ یتیم پاک برخاسته است

• علم: حجاب اکبر

" دخترم سرگرمی به علوم حتی عرفان و توحید، اگر برای انباشتن اصطلاحات است -که هست- و برای خود این علوم است، سالک را به مقصد نزدیک نمی کند، که دور می کند، «العلم هو الحجاب الاکبر» و اگر حق جویی عشق به او انگیزه است - که بسیار نادر است- چراغ راه است و نور هدایت . «العلم نور یقذفه الله فی قلب مایشاء»."

امام امت (ره) از بدل شدن محاسن فراوان علم اندوزی به عیب و تغییر خاصیت هدایت گری علوم به گمراهی و ضلالت سخن میگوید . از اهمیت نیت و انگیزه متعلم از یادگیری علم . آری علم گاهی حجاب است، آنگاه که آموختنش از برای انباشتن لغات و اصطلاحات باشد .این حجاب اکبر، نه تنها مقصد را میسور نمی سازد، بلکه دوری از هدف را به بار می آورد . از سوی دیگر علم که ذاتاً نور است و اعطایی از سوی خدای متعال، قرارگاهش قلبی است که برای خدا خالی از غیر شده و انگیزه اش قرب الهی باشد در کسب آن .

ایشان می فرمایند : "چنان به عمق اصطلاحات و اعتبارات فرو رفتیم و به جای رفع حُجُب به جمع کُتب پرداختیم که گویی در کون و مکان خبری نیست، جز یک مشت ورق پاره که به اسم علوم انسانی و معارف الهی و حقایق فلسفی طالب را که به فطرت الله مفلوط است از مقصد بازداشته و در حجاب اکبر فرو برده" .

فاطمی که به علم فلسفه مینازد-برعلم دگر به آشکارا تازد

ترسم که در این حجاب اکبر-آخر-غافل شود و هستی خود را بازد

فاطمی که فنون فلسفه میخواند-از فلسفه فا و لام و سین میداند

امید من آن است که با نور خدا-خود را زحجاب فلسفه برهاند

همچنین می فرمایند : " به این اصطلاحات که دام بزرگ ابلیس است بسنده مکن و در جستجوی او-جلّ و علا- باش . "

فاطی که به دانشکده ره یافته است-الفاظی چند را به هم بافته است
گویی که به یک دو جمله طوطی وار-سواداگر ذات پاک نایافته است
• راه های عملی رسیدن به نور علم

امام راحل (ره) رشد علمی بدون تهذیب را مصداق بارز «مثل الذین حملوا التوراهه ثم لم یحملوها کمثل الحمار» دانسته و «کالانعام بل هم اضل» را در باب چنین افرادی صادق میدانند. ایشان گام های زیر را برای نیل به نورهدایت گر علم و نشاندار سازی خویش برای کسب معرفت عنوان می نمایند:

1. تهذیب نفس و تطهیر قلب از غیر خدا
 2. تهذیب از اخلاق ذمیمه با مجاهدت بسیار
 3. تهذیب عمل از آنچه غیر رضای خداست
 4. مواظبت در اعمال صالحه از قبیل واجبات و به قدر میسور از مستحبات
- فاطی به سوی دوست سفر باید کرد-از خویشتن خویش، گذر باید کرد
هرمعرفتی که بوی هستی تو داد- دیوی است به ره، از آن حذر باید کرد
• انبیاء رهاننده انسانها از حجابها

ایشان بعثت انبیاء را برای رهانیدن انسان از حجابها و رساندن او به رشد معنوی می دانند، که شیطان قسم خورده در دشمنی با انسانها، به فکر اغوای بشر بوده و گمراه سازی آن از راه انبیاء.

از هستی خویشتن، رها باید شد-از دیو خودی خود، جدا باید شد
آن کس که به شیطان درون سرگرم است-کی راهی راه انبیاء خواهد شد؟
• لزوم تدبیر در قرآن

امام (ره) به عنوان استاد بزرگ فقه و فلسفه و عرفان، منبع واقعی کسب علم و معرفت را "قرآن" معرفی کرده و همه را به سوی آن فرا می خوانند. ایشان تدبیر در قرآن را دارای نفع بیش از قرائت دانسته و می فرمایند: "هرچند صرف خواندن آن (قرآن) که نامه محبوب است، به شنوده محبوب، آثار دلپذیری دارد، لکن تدبیر در آن انسان را به مقامات بالاتر و والاتر هدایت میکند." آن بزرگوار تدبیر را بدون شکسته شدن اقبال و قید و بندها، بدون نتیجه دانسته و سرخلقه متدبرین در قرآن را اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و صاحبان مقام آیه تطهیر معرفی می نمایند. ایشان در بابی دیگر عدم دوری از قرآن را خواستار شده و در باب عدم دسترسی به بطون قرآنی برای غیرخواص می فرمایند: "در این مخاطبه بین حبیب و محبوب و مناجات بین عاشق و معشوق اسراری است که جز حبیبش (حضرت پیامبرخاتم(ص)) کسی را بر آن راه نیست و امکان راه یافتن نیز نمی باشد."

ایشان در باب قرآن به موارد زیر اشاره می نمایند:

1. قرآن کتابیست با معارف بی سابقه.
2. معارفی که تصور بسیاری از آنها از تصدیقش مشکل تر است.
3. بجز مخاطب و تعلیم او به نزدیکانش (پیامبرو اهل بیت(ع)) که اهل اینگونه مسائل بوده اند، تصور معارف قرآنی محقق نشده است.

4. زبان قرآن زبانی است که هر عالم و مفسری خود را با آن آشنا می داند! و آشنا نیست.

5. راه یافتن به آن مجاهدت با تهذیب لازم دارد.

6. شمه ای از اسرار آن توسط اهل بیت وحی(ع) به دیگران به قدر استعداد رسیده است.

7. یکی از راه های بیان اسرار قرآنی ادعیه و مناجات ها توسط اهل بیت(ع) بوده است.

امام راحل (ره) در باب رسیدن به اسرار قرآنی به تفسیر و تاویلهای گروهی و طایفه ای مثل تفاسیر و تاویلهای صوفیه و عرفان و فلسفه اشاره و میفرمایند: "اهل ظاهر و فلسفه و عرفان و تصوف هر یک برای خود تفسیر و تاویلی کنند (از آیات) نیز از همان قبیل (عدم امکان راه یابی به اسرار بغیر از راه حبیب خدا و اهل بیتش(ع)) است. گرچه هر طایفه به قدر ظرفیت خود حظی دارد یا خیالی."

• کسب معرفت از طریق عرفان و فلسفه

امام بزرگوار(ره) در فرازهای متعددی از این نامه ها در باب طریق عرفان و فلسفه (طریق غیرقرآنی) تذکراتی را میدهد که تامل در آنها به شناخت هرچه بیشتر شخصیت علمی و علایق و سلایق آن عزیز مدرسان خواهد بود. ایشان به صورت صریح به موارد زیر متذکر می شوند:

1- "سرگرمی به علوم عرفان و توحید اگر برای انباشتن اصطلاحات است-که هست-و برای خود این علوم است، سالک را به مقصد نزدیک نمی کند که دور میکند."

علمی که جز اصطلاح و الفاظ نبود-جز تیرگی و حجاب، چیزی نفزود

هرچند توحکمت الهی خوانیش-راهی به سوی کعبه عاشق ننمود

2- "در جوانی که نشاط و توان بود با مکاید شیطان و عامل آن که نفس اماره است، سرگرم مفاهیم و اصطلاحات پرزرق و برقی

شدم، که نه از آنها جمعیت حاصل شد نه حال، و هیچگاه درصدد بدست آوردن روح آنها و برگرداندن ظاهر آنها به باطن و ملک آنها به ملکوت برنیامدم و گفتم: از قیل و قال مدرسه ام حاصلی نشد- جز حرف دلخراش پس از آن همه خروش!"

3- "از قرآن دور نیافتیم. در این مخاطبه بین حبیب و محبوب و مناجات بین عاشق و معشوق اسراری است، که جز او و حبیبش کسی را برآن راه نیست و امکان راه یافتن نیز نمی باشد. شاید حروف مقطع در بعض سُوَر مثل ((الم ص- یس)) از این قبیل باشد و بسیاری از آیات کریمه که اهل ظاهر و فلسفه و عرفان و تصوف هریک برای خود تفسیر یا تاویلی کنند نیز از همان قبیل است، گرچه هرطایفه به قدر ظرفیت خود حظی دارد و یا خیالی."

بافلسفه ره به سوی او نتوان یافت-باچشم علیل، کوی او نتوان یافت

این فلسفه را بیهل که بی شهپر عشق اشراق جمیل روی او نتوان یافت

4- "اسماء کتب عرفانی را پرسیدی. "دررفع حُجُب کوش، نه در جمع کُتُب "گیرم کتب عرفانی و فلسفی را از بازار به منزل و از محلی به محلی انتقال دادی یا آنکه نفس خود را انبارالفاظ و اصطلاحات کردی و در مجالس و محافل آنچه در چپته داشتی عرضه کردی و حضار را فریفته معلومات خود کردی و با فریب نخواستنه غرور علم و عرفان به سراغت آمد که خواهد آمد، آیا با این محموله های بسیار به حجب افزوده ای یا از حجب کاستی؟"

فاطی که به قول خویش، اهل نظر است-در فلسفه کوشش بسی بیشتر است

باشد که به خود آید و بیدار شود-داند که چراغ فطرتش در خطر است

5- " "اسفاراربعه" با طول و عرضش از سفر دوست بازم داشت. نه از "فتوحات" فتحی حاصل و نه از "فصوص الحکم" حکمتی دست داد. چه رسد به غیر آنها که خود داستان غم انگیز دارد."

آنکس که به زعم خویش عارف باشد- غواص دریای معارف باشد

روزی اگر از حجاب آزاد شود- ببند که به لاک خویش واقف باشد

6- "عاشق بی سوادی که به سوادنامه محبوب(قرآن) نظر کند و دل خوش دارد که این نامه محبوب است و همچون پارسی زبان پریشان عربی ندانی، که قرآن کریم را خواند و چون از اوست لذت برد و حالی به او دست دهد، که هزاران بار بهتر از ادیب دانشمندی است که به اعراب و مزایای ادبی و بلاغت و فصاحت قرآن سرخود را گرم کند و فیلسوف و عارفی است که به مسائل عقلی و ذوقی آن بیندیشد و از محبوب غافل باشد، چون مطالعه کتب فلسفی و عرفانی که به محتوای کتاب مشغول و به گوینده کاری ندارد."

تا تکیه گهت، عصای برهان باشد-تا دیدگهت، کتاب عرفان باشد

درهجر جمال دوست تا آخرعمر-قلب تو دگرگون و پریشان باشد

7- "موضوع فلسفه مطلق وجود است، از حق تعالی تا آخرین مراتب وجود و موضوع علم عرفان و عرفان علمی وجود مطلق است، یا بگو حق تعالی است و بحثی به جز حق تعالی و جلوه او که غیر او نیست- ندارد. اگر کتابی یا عارفی بحث از چیزی غیرحق کند، نه کتاب عرفان است و نه گوینده عارف است و اگر فیلسوفی در وجود آن طور که هست نظر کند و بحث نماید نظرش الهی و بحثش عرفانی است و همه اینها غیر از ذوق عرفانی است."

8- "به هر حال کتب فلسفی خصوصا از فلاسفه اسلام و کتب اهل حال و عرفان هرکدام اثری دارد. اولی انسانها را ولو به طور دورنما آشنا میکند با ماوراطبیعت، و دومی خصوصا بعضی از آنها چون "منازل السائرین" و "مصباح الشریعه" که گویی از عارفی است که به نام امام صادق(ع) به طور روایت نوشته است، دلها را مهیا میکند برای رسیدن به محبوب و از همه دل انگیزتر مناجات و ادعیه ائمه مسلمین(ع) است که راهبرند به سوی مقصود نه راهنما، و دست انسان حق جو را میگیرند و به سوی او می برند، افسوس و صد افسوس که ما از آنها فرسنگها دور هستیم و مهجور."

امام راحل (ره) در تذکرات فوق الذکر در حقیقت تجربه سالها علم اندوزی در فلسفه و عرفان را جمع بندی نموده و هشدارهایی بیدارگر به طالبین این علوم میدهند. هشدارهایی که: سرگرمی به الفاظ و اصطلاحات فلسفی و عرفانی غرق شدن در خیل کتب تاویل و تفسیرهای خیالی و حظی از قرآن- غفلت از معبود به بهانه اندیشه ذوقی و عقلی و اشتغال به مباحث علمی و غرور حاصل از آن را، مذموم شمرده و در کنار آن ضمن تعریف فلسفه و عرفان واقعی، از علم حقیقی که همان "قرآن" است سخن میراند. دقت کنید در صراحت امام(ره) در باب برخی کتب بزرگان فلسفه و عرفان که چگونه نارضایتی خویش را از بی ثمر بودن صرف عمر در راه مطالعه این کتب را جلوه گر میشوند. نوع بیان امام (ره) در باب ادعیه و مناجات وارده از طرف ائمه معصومین(ع) بسیار تامل برانگیز است. ایشان این ادعیه را از همه کتب فلسفی و عرفانی دل انگیزتر دانسته و راهبر میدانند نه راهنما.

• هشدار در باب انکار آنچه نمیدانیم

ایشان در این مکتوبه با وجود آنکه به نوعی از تحصیل معرفت از طریق عرفان و فلسفه منع نموده و راه صحیح تر را تمسک به قرآن و آثار سرگشای اهل بیت (ع) برمیشمارند، اما از انکار مقامات عارفان و سالکان و و معاندت و معارضه با آنها که از جهل و محرومیت نشأت گرفته باشد برحذر داشته و میفرمایند: "من نمیخواهم تطهیر مدعیان را بکنم که "ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد". میخواهم اصل معنی و معنویت را انکار نکنی. همان معنویتی که کتاب و سنت نیز از آن یادکرده اند و مخالفان آن یا آنها را نادیده گرفته و یا به توجیه عامیانه پرداخته اند ... آنانکه انکار مقامات عارفان و منازل سالکان کنند چون خودخواه و خو پسند هستند هرچه ندانسته اند حمل به جهل خود نکنند و انکار آن کنند تا به خودخواهی و خودبینی شان خدشه وارد نشود

• توصیه هایی اخلاقی در باب روش عملی علم اندوزی

امام راحل(ره) موارد زیر را برای سالک طریق معرفت لازم میدانند:

1. داشتن نیت الهی و نیت تربیت بندگان الهی در مسیر کسب علم

2. دوری از ریا و خودنمایی در انگیزه های کسب علم

3. کنار نهادن عجب ، خودبینی ، خودخواهی ، غرور و امیدهای کاذب شیطانی

4. دوری از روحیه انکار در باب هرآنچه به آن چهل باشد

5. کوشش در عمل و تهذیب و تربیت خویش

6. دقت در سخن و نه گوینده آن

7. توبه و استغاثه در خلوت و جلوت و استمداد از خدای بی همتا

8. دوری از غرور به رحمت الهی یا غفلت و یاس از آن

9. دررفع حُجُب کوش ، نه در جمع گُنُب

فاطمی زعلائق جهان دل برکن از دوست شدن به این و آن دل برکن

یک دوست که آن جمال مطلق باشد-بگزین تو و از کون و مکان دل برکن

نتیجه اینکه رهبر فقید انقلاب اسلامی(ره) به عنوان استاد فلسفه و عرفان اسلامی در حوزه های علمیه قم و نجف، در سالهای

انتهایی عمر پربرکت خویش در توصیه به عزیزان خویش ضمن اینکه نمی تواند علاقه و وابستگی شان به عرفان را منکر شود ، از

عرفانهای انحرافی و دور از خط قرآن و اهل بیت(ع) برحذر داشته و روش اصلی در راه کسب معرفت را تمسک به وحی (قرآن و

فرمایشات اهل بیت(ع)) معرفی می نمایند. ایشان تهذیب و زدودن قیدو بندهای شیطانی را راه تدبیر در قرآن و بهره گیری از

معارف و اسرارگشوده شده ی آن توسط اهل بیت(ع) میدانند.

مخاطب این دو نامه در حقیقت تنها یک نفر نیست ، بلکه این مکتوبات اندازی است به همه آنهایی که غرق در کسب فلسفه و

عرفان شده و با تعصبی عجیب سنگ آن را بر سینه می زنند . استاد بزرگوار این علوم دردنامه خود را بر صفحات تاریخ ماندگار

می سازد، به امید آنکه تمامی متعلمین این علوم از صراط انتخابی خویش به سوی صراط مستقیم، رجعت نموده و عمر خویش

را تلف ننمایند.*

*جواد عبدل زاده، محقق و نویسنده